

حضرت امام سپس به معانی کثیره ای که برای امر گفته شده اشاره کرده و می نویسند:

«الظاهر أنّ المعاني الكثيرة التي عُذَّت للأمر - كالترجي و التمني و التهديد إلى غير ذلك» - ليست معانيه، و لم توضع الهيئة لها، و لا تستعمل فيها في عرض استعمالها في البعث و الإغراء بل مستعملة فيها على حذو سائر الاستعمالات المجازية، على ما سبق من استعمال اللفظ فيما وضع له، ليتجاوز منه إلى المعنى المراد جداً لعلاقة.

فهيئة الأمر تستعمل: تارة في البعث ليحق ذهن السامع عليه و يفهم منها ذلك، فينبعث إلى المطلوب فيكون حقيقة. و أخرى تستعمل فيه، لكن ليتجاوز ذهنه منه إلى المعنى المراد جداً بعلاقة و نصب قرينة.

ففي قوله تعالى: أم يَقُولُونَ افترَاهُ قُلْ فَاتُوا بَعْشَرَ سُورٍ مِثْلِهِ مَفْتَرِيَاتٍ استعملت هيئة الأمر في البعث، لكن لا لغرض البعث، بل للانتقال منه إلى خطائهم في التقول على رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْ لتعجيزهم عن الإتيان. و قول الشاعر: أَلَا أَيُّهَا اللَّيْلُ الطَّوِيلُ أَلَا انجَلِ

[۱]... استعملت الهيئة في البعث - أيضاً - للانتقال منه إلى تمنيه للانجلاء، أو تحسره و تأثره من عدمه. فاتضح أنه قد تستعمل الهيئة للانتقال إلى معنى إنشائي إيقاعي، فينشأ تبعاً لصيغة الأمر كالتمني و الترجي و قد تستعمل للانتقال إلى معنى محقق في الواقع كما احتملنا في الآية الشريفة.

و بما ذكرنا يوجه الاستفهام و التمني و الترجي و أمثالها الواردة في كلام الله تعالى، فإن صدورها من المبادئ التي تكون مستلزمة للنقص و الجهل و الانفعال ممتنع عليه تعالى دون غيرها، فيفرق بين الجد و الاستعمال، و إن كان للكلام في كيفية صدور القرآن الكريم و سائر الكتب المنزلة على الأنبياء طور آخر لا يساعد [عليه] هذا المقام، و قد أشرنا إليها إجمالاً في رسالة «الطلب و الإرادة».

توضیح :

۱. معانی مختلفی که برای امر گفته شده، معانی هیأت امر نیستند و اصلاً هیأت امر برای آنها وضع نشده است. و حتی در عرض استعمال در بعث، در آنها استعمال هم نشده است [یعنی در غیر بعث استعمال نشده است]
۲. [در توضیح لازم است اشاره کنیم که حضرت امام به تبع مرحوم شیخ محمد رضا اصفهانی، معتقد بودند که مجاز عبارت است از «استعمال لفظ در موضوع له ادعایی» اما تفاوت نظر ایشان با سکاکی در قبل یا بعد بودن ادعا نسبت به استعمال بود. سکاکی (البته بنا بر تقریر مشهور از نظریه وی) معتقد بود ما ابتدا زید را اسد فرض می کنیم (ادعا می کنیم) و بعد می گوئیم اسد را دیده ام ولی طبق عقیده امام خمینی، در لحظه استعمال هیچ نحوه ادعایی موجود نیست بلکه واقعاً می گوئیم اسد واقعی را دیده ایم (و نه اسد ادعایی) ولی در مرحله بعد وقتی



متکلم می خواهد مراد جدی ما را دریابد، به وسیله قرینه او را از مراد جدی آگاه می سازیم [ن ک: صفحه ۲۷ و ۲۸ از درسنامه سال سوم]

۳. امام می فرماید: استعمال امر در معانی دیگر استعمال مجازی است (و لذا در عرض استعمال در بعث نیست) و مثل بقیه استعمالات مجازی در آن لفظ در معنای موضوع له (بعث) استعمال می شود تا از آن به معنای غیر موضوع له در مرحله اراده جدی برسیم (تجاوز به وسیله قرینه)

۴. پس هیأت امر گاه استعمال می شود در بعث تا ذهن سامع بر همین بعث ثبات یابد (یحقّ ای یثبت) و همان معنای بعث را بفهمیم و گاه استعمال می شود تا به معنای دیگری (که ادعاءً - در مرحله اراده جدی - به عنوان بعث شناسانده می شود) برسیم.

۵. پس در آیه شریفه «فأتوا» هیأت امر استعمال شده است در بعث ولی این استعمال برای غرض بعث نیست بلکه برای انتقال از بعث به تعجیز و خطای در تقوّل (افترا) است.

۶. یا در قول شاعر «انجل» در بعث استعمال شده است ولی برای اینکه از بعث به آرزوی انجلاء یا حسرت در عدم انجلاء برسیم.

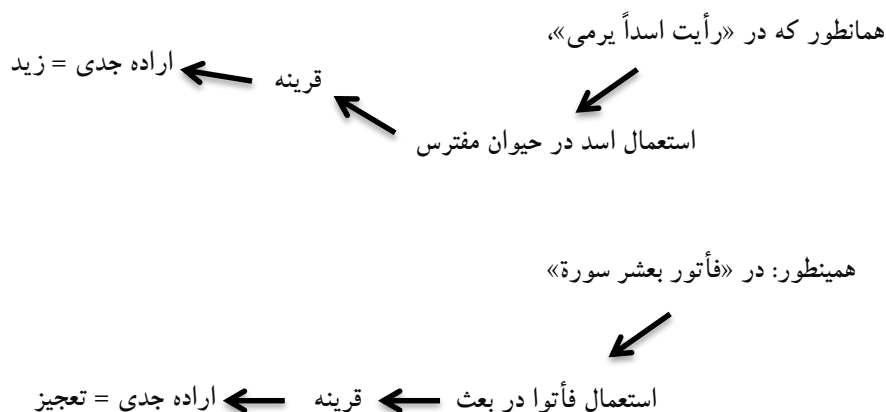
۷. پس معلوم شد معنایی که قرار است به آن منتقل شویم گاه معنای انشایی است مثل تمنّی و گاه معنای خبری است مثل اخبار عن العجر.

۸. و به این بیان معلوم می شود که چرا استفهام و تمنّی و ترجی در کلام الهی وارد می شود - در حالیکه اگر اینها حقیقی باشد، دال بر نقص است و در حق خدای سبحان محال است - چراکه: اگر تمنّی ناشی از مبدء جهل باشد، در حق خدا محال است ولی اگر بین اراده استعمالی و اراده جدی فرق گذاشتیم، محال نیست. [یعنی تمنّی

در همان معنای خودش استعمال شده است در حالیکه اراده جدی انتقال به معنایی دیگر است]

ما می گوئیم :

(۱) ظاهر کلام حضرت امام آن است که:



۲) باید توجه داشت که در فرمایش امام بعث اعتباری (که هیأت امر آن را انشاء و ایجاد می کند - به معنایی که گفته شد) ممکن است بعث وجوبی باشد یا بعث استحبابی و .. ولی در هر صورت بعث است. اگرچه ممکن است این بعث از اراده و طلب حقیقی ناشی نشده باشد. و لذا می توان گفت بسیاری از مواردی که در کلام حضرت امام به عنوان معنای مجازی امر دانسته شد، از نوع استعمال در معنای موضوع له (یعنی بعث) است. در آینده در این باره سخن می گوئیم.

۳) اما مشکله اینجاست که طبق مبنای ایشان در مجاز انتقال از مراد استعمالی به مراد جدی از راه ادعا بود. و ادعای مذکور عبارت بود از ادعای مصداق بودن زید (معنای مجازی) برای اسد (معنای حقیقی). حال آیا در ما نحن فیه چنین است؟

یعنی آیا ما از بعث (معنای حقیقی) به تعجیز (معنای مجازی) از راه ادعای مصداق بودن تعجیز (معنای مجازی) برای بعث (معنای حقیقی) رسیده ایم؟

با توجه به اینکه معنای «منتقل الیه» - طبق فرمایش امام بزرگوار - گاه معنای محقق و گاه معنای انشایی ایقاعی است، آیا واقعاً کسی عجز و خطا را به عنوان فرد ادعایی بعث تلقی می کند؟

۴) برای ما که در باب حقیقت و مجاز، به همه اقسام قائل شدیم و هر فرض ممکن را، با توجه به نوع اراده متکلم، قابل قبول دانستیم، راه مجاز منحصر به مجاز ادعایی نیست. در این باره بعد از بررسی اقوال سخن خواهیم گفت.

